

خاور میانه جدید چگونه می تواند باشد؟

چرا برای آمریکا ضرور است تا خاور میانه را
به یک قطب بزرگ اقتصاد جهانی تبدیل کند؟

عبدالله شهبازی

فروردین ۱۴۰۴ / آوریل ۲۰۲۵

فهرست

۱	خاور میانه جدید چگونه می‌تواند باشد؟
۲	فهرست
۷	آغاز سخن
۸	مقدمه: اهمیت خاور میانه برای آینده آمریکا
۸	الف. دسترسی به بازارهای بکر و بزرگ‌تر:
۸	ب. بازگشت سرمایه از طریق شرکت‌های آمریکایی:
۸	پ. مهار چین و روسیه و تأمین امنیت انرژی متحدان:
۸	ت. سودآوری بالقوه:
۸	نتیجه‌گیری:
۹	بخش اول: خاور میانه همگرا با آمریکا
۹	مقدمه:
۹	۱. فرض این سناریو:
۹	۲. هزینه‌ها در این وضعیت مفروض:
۹	الف. هزینه نظامی و امنیتی:
۹	ب. هزینه زیرساختی و اقتصادی:
۹	ج. هزینه سیاسی و فرهنگی:
۹	۳. منافع و سود برای آمریکا (و اسرائیل):
۹	الف. باز شدن بازارها:
۱۰	ب. ترانزیت جهانی:
۱۰	پ. صرفه‌جویی مالی:
۱۰	ت. بازگشت اقتصادی کلی:
۱۰	نتیجه: سناریوی طلایی ولی بسیار بعید
۱۱	خاور میانه جدید در صورت از میان رفتن خصومت‌های موجود
۱۱	سناریوی مفروض:
۱۱	فاز اول: تثبیت نرم و آماده‌سازی (۵ سال اول)
۱۱	بازیگران اصلی:
۱۱	اقدامات کلیدی:
۱۱	هزینه تخمینی:
۱۱	فاز دوم: تحول سیاسی در ایران و عراق (۵ تا ۱۰ سال آینده)
۱۱	هدف اصلی:
۱۱	روش‌ها:
۱۱	در عراق و لبنان:
۱۱	هزینه تخمینی:
۱۲	چرا در طرح بالا هزینه «تحول سیاسی» در ایران و عراق یک تریلیون دلار برآورد شده؟
۱۲	تحکیم عددی هزینه‌ها در سناریوی ایران + عراق:
۱۲	نمونه‌های تاریخی مشابه
۱۲	چرا باید این هزینه را پذیرفت؟
۱۳	نتیجه‌گیری:

فاز سوم: ادغام اقتصادی منطقه‌ای (۱۰ تا ۱۵ سال آینده).....	۱۳
ویژگی‌ها:.....	۱۳
سیاست‌ها:.....	۱۳
هزینه تخمینی:.....	۱۳
فاز چهارم: تثبیت نهایی و بازگشت سرمایه (۱۵ تا ۳۰ سال آینده).....	۱۳
نتایج مورد انتظار:.....	۱۳
سود تخمینی برای آمریکا:.....	۱۳
موانع کلیدی:.....	۱۳
فرصت‌های طلایی:.....	۱۴
تأثیر خاورمیانه جدید در مهار قدرت اقتصادی چین.....	۱۵
۱. مهار چین از مسیر انرژی.....	۱۵
وضعیت فعلی:.....	۱۵
در صورت کنترل آمریکا بر خاورمیانه:.....	۱۵
۲. رقابت در کریدور هند- خاورمیانه- اروپا (IMEC).....	۱۵
پروژه چین:.....	۱۵
راهبرد آمریکا:.....	۱۵
۳. جذب سرمایه جهانی و دور کردن آن از چین.....	۱۵
وضعیت فعلی:.....	۱۵
فرصت خاورمیانه:.....	۱۶
۴. قدرت نرم و فرهنگی.....	۱۶
۵. دور زدن یوآن و حفظ سلطه دلار.....	۱۶
جمع‌بندی نهایی:.....	۱۶
نتیجه راهبردی:.....	۱۶
خاورمیانه و تبدیل چین به قدرت اول اقتصادی جهان.....	۱۷
۱. اهمیت راهبردی خاورمیانه برای چین.....	۱۷
۲. سناریوی موفقیت چین در غیاب رقیب آمریکایی.....	۱۷
۳. پیامدهای جهانی آن.....	۱۷
جمع‌بندی:.....	۱۷
نقش سه دولت عربی ثروتمند خلیج فارس (سعودی، قطر، امارات) در طرح خاورمیانه جدید.....	۱۸
۱. ظرفیت مالی و سیاسی این کشورها.....	۱۸
۲. ابعاد مشارکت در بازسازی خاورمیانه جدید.....	۱۸
الف) سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها:.....	۱۸
ب) سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و انتقال گاز و برق منطقه‌ای:.....	۱۸
پ) گردشگری، فرهنگ و آموزش:.....	۱۸
۳. منافع راهبردی برای دولت‌های عربی.....	۱۹
۴. خطرات و زیان‌های احتمالی.....	۱۹
جمع‌بندی نهایی.....	۱۹
مزیت‌های مشارکت سعودی و قطر و امارات در طرح خاورمیانه جدید.....	۲۰
۱. کاهش بار مالی آمریکا با واگذاری سرمایه‌گذاری به متحدان.....	۲۰
۲. تقویت نظم آمریکایی با پول عربی، بدون حضور سنگین نظامی.....	۲۰
۳. تشکیل بلوک عربی- ایرانی همسو با آمریکا برای مهار چین و روسیه.....	۲۰

۲۰	۴. افزایش مشروعیت منطقه‌ای طرح آمریکا با مشارکت دولت‌های اسلامی
۲۱	۵. واگذاری پروژه‌های کلان به شرکت‌های آمریکایی از طریق تأمین مالی عربی
۲۱	جمع‌بندی نهایی
۲۲	بخش دوم: خاورمیانه جدید با مشارکت ایران
۲۲	۱. موقعیت ژئواستراتژیک ایران = شاه کلید اتصال شرق و غرب
۲۲	۲. پتانسیل سرمایه‌گذاری داخلی ایران
۲۲	۳. سهم ایران در همکاری منطقه‌ای خاورمیانه جدید
۲۲	۴. برآورد عددی سهم ایران در نظم جدید
۲۳	۵. میزان تأثیرگذاری ژئوپلیتیک ایران در سناریوی جدید
۲۳	نتیجه راهبردی: ایران = بازیگر کلیدی نظم جدید
۲۴	پیوست یک: اتصال ایران به مدیترانه
۲۴	۱. ظرفیت گازی ایران و اهمیت اتصال به اروپا
۲۴	۲. مسیر پیشنهادی: کریدور انرژی ایران- مدیترانه
۲۴	۳. برآورد سرمایه‌گذاری
۲۵	۴. سود و بازگشت اقتصادی
۲۵	فرض پایه:
۲۵	درآمد سالانه بالقوه:
۲۵	بازگشت سرمایه:
۲۵	۵. مزایای راهبردی برای آمریکا (در صورت تغییر رفتار ایران):
۲۵	جمع‌بندی عددی نهایی
۲۶	پیوست دو: سرمایه‌گذاری آمریکا در سواحل ایرانی خلیج فارس
۲۶	۱. ظرفیت‌های استراتژیک سواحل ایران در خلیج فارس
۲۶	۲. برآورد سرمایه‌گذاری آمریکا در سه محور اصلی
۲۶	۳. برآورد سود و بازگشت اقتصادی
۲۷	مزایای ژئوپلیتیکی برای آمریکا (در صورت مشارکت)
۲۷	جمع‌بندی عددی
۲۸	پیوست سه: مقایسه سواحل خلیج فارس ایران با سواحل کالیفرنیا
۲۸	۱. مقایسه جغرافیایی و اقلیمی
۲۸	۲. منابع طبیعی و انرژی
۲۸	۳. پتانسیل اقتصادی و ترانزیتی
۲۸	۴. جاذبه‌های توریستی و فرهنگی
۲۹	۵. جمع‌بندی
۲۹	نتیجه نهایی
۳۰	بازنویسی انتقادی گروک
۳۱	اهمیت خاورمیانه برای آینده آمریکا
۳۱	دلایل کلیدی اهمیت خاورمیانه:
۳۲	سناریوهای ممکن برای خاورمیانه جدید
۳۲	سناریوی خوش‌بینانه: خاورمیانه همگرا با آمریکا
۳۲	فرض پایه:
۳۲	هزینه‌ها:
۳۲	منافع:

۳۲	موانع کلیدی:
۳۲	احتمال تحقق:
۳۳	سناریوی میانی: همکاری محدود با حفظ تنش‌ها
۳۳	فرض پایه:
۳۳	هزینه‌ها:
۳۳	منافع:
۳۳	موانع کلیدی:
۳۳	احتمال تحقق:
۳۳	سناریوی بدبینانه: تداوم بی‌ثباتی و نفوذ چین
۳۳	فرض پایه:
۳۴	هزینه‌ها:
۳۴	پیامدها:
۳۴	موانع کلیدی:
۳۴	احتمال تحقق:
۳۵	فازهای اجرایی سناریوی خوش بینانه
۳۵	فاز اول: تثبیت و آماده‌سازی (۸-۱۰ سال)
۳۵	بازیگران اصلی:
۳۵	اقدامات کلیدی:
۳۵	هزینه تخمینی:
۳۵	موانع:
۳۵	فاز دوم: تحول سیاسی و نهادی (۱۲-۱۵ سال)
۳۵	هدف اصلی:
۳۵	روش‌ها:
۳۶	هزینه تخمینی:
۳۶	تفکیک هزینه‌ها:
۳۶	موانع:
۳۶	فاز سوم: ادغام اقتصادی منطقه‌ای (۱۵-۲۰ سال)
۳۶	ویژگی‌ها:
۳۶	سیاست‌ها:
۳۶	هزینه تخمینی:
۳۷	موانع:
۳۷	فاز چهارم: تثبیت و بازگشت سرمایه (۲۰-۳۵ سال)
۳۷	نتایج مورد انتظار:
۳۷	سود تخمینی:
۳۷	موانع:
۳۸	نقش ایران در خاورمیانه جدید
۳۸	پتانسیل‌های ایران:
۳۸	برآورد عددی:
۳۸	موانع مشارکت ایران:
۳۹	نقش کشورهای عربی خلیج فارس
۳۹	مشارکت‌ها:

۳۹.....	منافع:
۳۹.....	موانع:
۴۰.....	نقش بازیگران غیر منطقه‌ای
۴۰.....	هند:
۴۰.....	اتحادیه اروپا:
۴۰.....	ترکیه:
۴۰.....	چین و روسیه:
۴۱.....	ملاحظات زیست‌محیطی
۴۱.....	انرژی‌های تجدیدپذیر:
۴۱.....	مدیریت آب:
۴۱.....	حفاظت از اکوسیستم:
۴۱.....	هزینه تخمینی:
۴۱.....	بخش هفتم: تأثیر خاورمیانه جدید بر مهار چین
۴۱.....	انرژی:
۴۱.....	ترانزیت:
۴۱.....	سرمایه جهانی:
۴۱.....	قدرت نرم:
۴۲.....	ریسک‌ها:
۴۳.....	جمع‌بندی نهایی
۴۳.....	توصیه‌ها:

آغاز سخن

از ۸ اکتبر ۲۰۲۳، یک روز پس از حمله حماس و شروع جنگ غزه و تحولات پسین در خاورمیانه، که تا امروز ادامه دارد، مکرر از طرح بزرگ برای تبدیل خاورمیانه به یک قطب بزرگ اقتصاد جهانی گفته‌ام. گفتم که یکی از اهداف این طرح ممانعت از گسترش نفوذ چین در خاورمیانه و به تبع آن فرارویی چین به قدرت اول اقتصادی جهان است. در تحلیل زیر تلاش می‌کنم جایگاه خاورمیانه و اهمیت آن را برای آینده جهان نشان دهم.

هدف اصلی این تحقیق آشنایی با تصویری است که می‌تواند در محافل عالی مالی - سیاسی آمریکا برای سوق دادن حرکت سرمایه به کنونی بجز چین، برای ممانعت از اقتدار اقتصادی بیشتر چین، مطرح شده و در پایه تحولات یک سال و نیم اخیر خاورمیانه، بویژه در دولت ترامپ، قرار گرفته باشد. این تحقیق می‌تواند، با ایضاح پتانسیل‌های شگفت خاورمیانه نگاه ما را به تحولات روز جهان و منطقه و نیازهای کنونی سرمایه جهانی واقع‌بینانه کند.

صرفنظر از اینکه ماجرای ۷ اکتبر را نقطه شروع سناریویی برنامه‌ریزی شده بدانیم برای حذف جمهوری اسلامی ایران و نیروهای وابسته به آن در منطقه، بعنوان پیش‌نیاز تحقق طرح خاورمیانه جدید، یا ندانیم، تحلیل حاضر اهمیت بالقوه اقتصادی خاورمیانه را برای جهان آینده نشان می‌دهد.

پتانسیل عظیم خاورمیانه زمانی بالفعل می‌شود که (۱) خاورمیانه‌ای که با کنفرانس قاهره (مارس ۱۹۲۱) پدید آمد، بر بنیاد قرارداد سری سایکس - پیکو (۱۶ مه ۱۹۱۶) که بلشویک‌های روسیه در ۲۳ نوامبر ۱۹۱۷ متن کامل آن را منتشر کردند، و طی ۱۰۴ سال پسین کانون مهم تنش سیاسی و جنگ و خاستگاه انواع نظام‌های سیاسی خودکامه بود، به منطقه‌ای کم‌وبیش همگرا و فاقد تنش تبدیل شود؛ (۲) سرمایه جهانی و سرمایه دولت‌های ثروتمند کنونی منطقه بطور جدی به سوی تحقق این طرح سمت‌وسو یابد.

در این تحلیل از هوش مصنوعی چت‌جی‌پی‌تی و گروک بهره برده‌ام از طریق پرسش‌های مکرر و دقیق درباره سناریوهای مختلف و محتمل، و در پایان بازنویسی انتقادی گروک از تحلیل حاضر را افزوده‌ام.

۳۰ فروردین ۱۴۰۴ / ۱۹ آوریل ۲۰۲۵

مقدمه: اهمیت خاورمیانه برای آینده آمریکا

الف. دسترسی به بازارهای بکر و بزرگ‌تر:

- جمعیت خاورمیانه تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۷۰۰ میلیون نفر خواهد شد.
- تبدیل بازارهای انرژی‌محور به مصرف‌محور به نفع صنایع آمریکایی است.

ب. بازگشت سرمایه از طریق شرکت‌های آمریکایی:

- اپل، مایکروسافت، بوئینگ، شرکت‌های ساخت‌وساز و نظامی می‌توانند در پروژه‌های زیرساختی، حمل‌ونقل، انرژی و دیجیتال‌سازی نقش‌آفرین باشند.

پ. مهار چین و روسیه و تأمین امنیت انرژی متحدان:

- اگر آمریکا بتواند مسیرهای ترانزیت جهانی را از مسیر خاورمیانه کنترل کند (مانند پروژه هند-خلیج فارس-اروپا)، جایگزین کمربند-جاده چین خواهد شد.

ت. سودآوری بالقوه:

- اگر آمریکا حدود ۵ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری کند، می‌تواند طی ۳۰ سال آینده بازگشت اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم حدود ۱۰ تا ۱۵ تریلیون دلار داشته باشد (بر اساس تجربه ژاپن، کره جنوبی و اروپای پس از جنگ جهانی دوم با «طرح مارشال»).

نتیجه‌گیری:

سرمایه‌گذاری آمریکا برای تبدیل خاورمیانه به یک قطب تجاری جهانی، اگر با دید بلندمدت و چندجانبه (اقتصادی-سیاسی-فرهنگی) انجام شود، می‌تواند پرهزینه باشد (۳ تا ۵ تریلیون دلار) اما سودآور نیز خواهد بود، هم از نظر بازگشت مالی (۲ تا ۳ برابر سرمایه) و هم از نظر ژئوپلیتیکی (مهار چین، کنترل انرژی، تقویت متحدان عرب و اسرائیل).

بخش اول: خاورمیانه همگرا با آمریکا

اگر تمامی دولت‌های خاورمیانه، اعم از ایران و عراق و سوریه و لبنان و غیره، با آمریکا هم‌راستا شوند، شکل کلی منطقه دگرگون خواهد شد. در این وضعیت مفروض، نه فقط یک قطب تجاری، بلکه یک اتحادیه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک، شبیه به اتحادیه اروپا، در خاورمیانه می‌تواند ظهور کند.

مقدمه:

۱. فرض این سناریو:

- ایران دارای حکومتی نرمال، سکولار یا عمل‌گرا، بدون دشمنی با اسرائیل
- پایان یافتن محور مقاومت: حزب‌الله، حماس، حشد شعبی، انصارالله
- پذیرش نظم جدید منطقه‌ای با محوریت آمریکا-اسرائیل-خلیج فارس
- ادغام اقتصادی-سیاسی منطقه‌ای در قالب توافقات چندجانبه

۲. هزینه‌ها در این وضعیت مفروض:

الف. هزینه نظامی و امنیتی:

- نیازی به حفظ پایگاه‌های گسترده نظامی یا جنگ نیابتی نیست و هزینه امنیتی فعالی آمریکا در منطقه تا ۸۰ درصد کاهش خواهد یافت.

ب. هزینه زیرساختی و اقتصادی:

- با رفع تنش و مشارکت همه کشورها مسیرها کوتاه‌تر و سودمندتر می‌شود.
- سرمایه‌گذاری زیرساختی به حدود ۲ تریلیون دلار کاهش می‌یابد (زیرا ایران، عراق و سوریه نیز به توسعه کمک می‌کنند).

ج. هزینه سیاسی و فرهنگی:

- نیاز به سرمایه‌گذاری در آموزش، رسانه، گفت‌وگوی تمدنی، شبیه طرح مارشال
- تخمین: حدود ۵/۰ تا ۱ تریلیون دلار در درازمدت

جمع کل هزینه: حدود ۵/۲ تا ۳ تریلیون دلار در ۲۰ سال

۳. منافع و سود برای آمریکا (و اسرائیل):

الف. باز شدن بازارها:

- ایران و عراق دو بازار عظیم با جمعیت جوان و نیازمند توسعه
- امکان صادرات کالا، تکنولوژی، خدمات آموزشی و پزشکی

ب. ترانزیت جهانی:

- مسیر جهانی کالا از هند- ایران- عراق- سوریه- مدیترانه- اروپا کوتاه‌تر از مسیر خلیج فارس- اسرائیل است
- کنترل غیرمستقیم آمریکا و متحدانش بر بزرگ‌ترین کریدور شرق- غرب جهان

پ. صرفه‌جویی مالی:

- کاهش هزینه حضور نظامی در خاورمیانه از سالانه حدود ۵۰ تا ۷۰ میلیارد دلار به کمتر از ۲۰ میلیارد

ت. بازگشت اقتصادی کلی:

با در نظر گرفتن سود صادرات، پروژه‌های عمرانی، انرژی، حمل‌ونقل، دانش‌بنیان و غیره. سود کل برای اقتصاد آمریکا: حدود ۱۵ تا ۲۰ تریلیون دلار طی ۳۰ سال

نتیجه: سناریوی طلایی ولی بسیار بعید

شاخص

هزینه کل پروژه

سود بالقوه بلندمدت

صرفه‌جویی نظامی و امنیتی

پایداری ژئوپلیتیک

احتمال تحقق در حال حاضر

مقدار تقریبی

۲/۵ تا ۳ تریلیون دلار

۱۵ تا ۲۰ تریلیون دلار

۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار در سال

بسیار بالا (در صورت ثبات داخلی کشورها)

بسیار کم. در بلندمدت ممکن است (در صورت تحول در ایران)

خاورمیانه جدید در صورت از میان رفتن خصومت‌های موجود

سناریوی مفروض:

تبدیل خاورمیانه به یک اتحادیه اقتصادی - ترانزیتی چندملیتی شبیه به اتحادیه اروپا، بدون خصومت‌های تاریخی، با روابط عادی با اسرائیل، و با نقش‌آفرینی گسترده شرکت‌ها و نهادهای آمریکایی.

فاز اول: تثبیت نرم و آماده‌سازی (۵ سال اول)

بازیگران اصلی:

- آمریکا (وزارت خارجه، پنتاگون، CIA، USAID)
- اسرائیل
- سعودی، امارات، قطر، مصر، اردن
- نهادهای غربی: IMF، World Bank، EU

اقدامات کلیدی:

- تقویت توافق‌های «ابراهیم»
- گسترش کریدور هند-خلیج فارس-اسرائیل-اروپا
- افزایش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (صندوق سرمایه‌گذاری مشترک)
- دیپلماسی پشت‌پرده برای آماده‌سازی فضای داخلی ایران، عراق، لبنان

هزینه تخمینی:

۵۰۰ میلیارد دلار

فاز دوم: تحول سیاسی در ایران و عراق (۵ تا ۱۰ سال آینده)

هدف اصلی:

گذار ایران از سیاست خصمانه به حکومتی ملی‌گرا، سکولار یا عمل‌گرا (مانند ویتنام، مصر)

روش‌ها:

- فشار هوشمندانه (تحریم + گفتگو + تشویق)
- تحریک شکاف‌های درونی (نسل جوان، ناراضیان، طبقه متوسط)
- بازسازی نهادهای مدنی و تقویت نیروهای تحول‌خواه در داخل

در عراق و لبنان:

- تضعیف ساختارهای وابسته به ایران (حشد شعبی، حزب الله)
- تقویت نهادهای مستقل و ارتش ملی

هزینه تخمینی:

۱ تریلیون دلار

چرا در طرح بالا هزینه «تحول سیاسی» در ایران و عراق یک تریلیون دلار برآورد شده؟

زیرا این نوع تحول فقط یک تغییر رژیم نیست، بلکه شامل موارد زیرین می‌شود:

۱. بازسازی نهادهای حکمرانی
۲. مدرن‌سازی اقتصاد داخلی
۳. اصلاحات فرهنگی و آموزشی
۴. مهار بازیگران غیررسمی (نظامی، مذهبی، امنیتی)
۵. بازگشایی به جهان از نظر تجارت، روابط دیپلماتیک، و رسانه

که همگی مستلزم سرمایه‌گذاری گسترده در بخش عمومی، پروژه‌های زیرساختی، آموزش، رسانه و امنیت داخلی است.

تفکیک عددی هزینه‌ها در سناریوی ایران + عراق

توضیح	هزینه تخمینی (میلیارد دلار)	حوزه
نوسازی سیستم بانکی، خصوصی‌سازی، مبارزه با فساد،	۳۰۰-۲۵۰	۱. بازسازی اقتصادی داخلی ایران توسعه صادرات
مدرن‌سازی مدارس، دانشگاه‌ها، تقویت زبان خارجی، رسانه آزاد	۷۰-۵۰	۲. اصلاح نظام آموزشی و رسانه‌ای
یارانه هوشمند، حمایت از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران داخلی	۱۰۰-۷۰	۳. حمایت از طبقه متوسط و پروژه‌های رفاهی
مبارزه با فساد، بهبود خدمات عمومی، تأمین امنیت در مناطق بحرانی	۲۰۰-۱۵۰	۴. بازسازی عراق (اقتصاد، امنیت، خدمات شهری)
خلع‌سلاح تدریجی گروه‌های مسلح، ساخت ارتش ملی، آموزش نیروهای پلیس	۲۰۰-۱۵۰	۵. برنامه‌های امنیتی و نظامی
دیالوگ میان‌فرهنگی، جذب نخبگان، فضاهای مدنی آزاد	۸۰-۵۰	۶. برنامه‌های فرهنگی، دیپلماسی عمومی، حمایت نرم
توسعه اینترنت پرسرعت، انرژی خورشیدی، شفافیت دیجیتال در دولت	۱۰۰-۷۰	۷. زیرساخت‌های فناوری، دیجیتال، انرژی سبز

جمع کل: حدود ۸۰۰ تا ۱۰۵۰ میلیارد دلار

نمونه‌های تاریخی مشابه

شباهت	هزینه واقعی (به دلار امروز)	پروژه جهانی
نوسازی اقتصادی پس از جنگ	حدود ۱۷۲ میلیارد دلار	طرح مارشال در اروپا (۱۹۴۸-۱۹۵۲)
با شکست نسبی	بیش از ۲.۳ تریلیون دلار	پروژه بازسازی افغانستان (۲۰۰۲-۲۰۲۱)
ترکیبی از نظامی-غیرنظامی	حدود ۱.۹ تریلیون دلار	بازسازی عراق توسط آمریکا (۲۰۰۳-۲۰۲۰)
نوسازی با موفقیت چشمگیر	۴۰۰-۶۰۰ میلیارد دلار (تخمین)	نوسازی ژاپن و کره جنوبی توسط آمریکا

چرا باید این هزینه را پذیرفت؟

زیرا تحول ایران و عراق نه فقط به ثبات منطقه، بلکه به امنیت انرژی، مهار چین، کاهش پناهجویی، و بازگشت سرمایه از طریق بازارهای مصرفی و منابع انرژی کمک می‌کند.

در مقایسه با هزینه جنگ‌ها، هزینه صلح و توسعه همیشه کمتر و پربازده‌تر است.

نتیجه گیری:

- مبلغ ۱ تریلیون دلار برای تحول سیاسی و نهادی ایران و عراق، عددی واقع گرایانه است اگر آن را در قالب برنامه ۱۰ تا ۱۵ ساله چند مرحله ای ببینیم.
- این مبلغ ترکیبی از حمایت های مالی، امنیتی، زیرساختی و فرهنگی است، نه فقط هزینه یک کودتا یا تغییر رژیم.
- در مقیاس ژئوپلیتیک، چنین سرمایه گذاری اگر به ثبات پایدار و تبدیل ایران به یک مشارکت کننده مثبت منطقه ای منجر شود، سود آن برای آمریکا و کل منطقه چند برابر خواهد بود.

فاز سوم: ادغام اقتصادی منطقه ای (۱۰ تا ۱۵ سال آینده)

ویژگی ها:

- اتصال زیرساخت های ایران، عراق، سوریه، لبنان به شبکه خلیج فارس و اسرائیل
- ایجاد «منطقه تجارت آزاد خاورمیانه» (MEFTA)
- تردد آزاد کالا، سرمایه و نیروی کار بین کشورها

سیاست ها:

- امضای پیمان های امنیتی-اقتصادی چندجانبه
- دعوت از شرکت های آمریکایی برای سرمایه گذاری کلان (تکنولوژی، انرژی، حمل و نقل)
- ایجاد ساختارهای دآوری و حل اختلاف منطقه ای تحت نظارت آمریکا

هزینه تخمینی:

۱ تا ۱/۵ تریلیون دلار

فاز چهارم: تثبیت نهایی و بازگشت سرمایه (۱۵ تا ۳۰ سال آینده)

نتایج مورد انتظار:

- ایجاد یک بلوک اقتصادی همگرا با GDP حدود ۱۰ تا ۱۵ تریلیون دلار
- تثبیت نقش آمریکا بعنوان تضمین کننده نظم منطقه ای
- مهار کامل چین و روسیه از مسیر انرژی و تجارت
- بازگشت سرمایه از طریق مالیات، سهام، بهره برداری از زیرساخت ها

سود تخمینی برای آمریکا:

۱۵ تا ۲۰ تریلیون دلار طی ۳۰ سال

موانع کلیدی:

ایدئولوژی جمهوری اسلامی ضدیت ریشه دار با اسرائیل و غرب
محور مقاومت حزب الله، حماس، حشد، انصارالله

مداخلات روسیه و چین تضعیف نظم آمریکایی و پیشنهاد نظم موازی
رادیکالیسم اسلامی و ملی‌گرایی عربی مخالفت با هرگونه صلح با اسرائیل
مخالفت داخلی در اسرائیل (راست افراطی) در برابر امتیازدهی به اعراب یا ایران

فرصت‌های طلایی:

جمعیت جوان خاورمیانه نیاز به اشتغال، آموزش، ارتباط با جهان
خستگی از جنگ و بی‌ثباتی تمایل عمومی به توسعه و صلح
مزیت جغرافیایی ترانزیتی کوتاه‌ترین مسیر شرق-غرب جهان
نیاز به بازسازی پس از جنگ بازار بزرگ برای شرکت‌های آمریکایی

تأثیر خاورمیانه جدید در مهار قدرت اقتصادی چین

خاورمیانه هماهنگ، با ثبات و همسو با آمریکا می‌تواند بطور مؤثر به تضعیف یا مهار قدرت اقتصادی چین کمک کند.

۱. مهار چین از مسیر انرژی

وضعیت فعلی:

- چین بزرگ‌ترین واردکننده انرژی جهان است.
- بخش زیادی از نفت و گاز مورد نیاز چین از خاورمیانه تأمین می‌شود (بویژه سعودی، ایران، عراق، قطر).

در صورت کنترل آمریکا بر خاورمیانه:

- آمریکا می‌تواند با کنترل زیرساخت‌ها، ترانزیت، قراردادهای بیمه‌های انرژی، در عمل اهرم فشار اقتصادی بر چین داشته باشد.
- تخصیص انرژی با تخفیف به متحدان غربی و اعمال شرایط سخت‌گیرانه‌تر برای چین می‌تواند قدرت مانور پکن را محدود کند.

نتیجه: کنترل انرژی خاورمیانه = اهرم علیه موتور صنعتی چین.

۲. رقابت در کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC)

India–Middle East–Europe Economic Corridor (IMEC)

پروژه چین:

- «کمربند و جاده» مسیر زمینی و دریایی چین به اروپا و آفریقا با سرمایه‌گذاری صدها میلیارد دلاری.
- Belt and Road Initiative (BRI or B&R), or One Belt One Road, or the New Silk Road
- چین از طریق پاکستان، ایران، آسیای مرکزی و ترکیه می‌کوشد به اروپا متصل شود.

راهبرد آمریکا:

- پروژه IMEC از مسیر هند-خلیج فارس-سوریه-اروپا جایگزینی برای مسیر چین است.
- اگر ایران در این مسیر شرکت کند، چین عملاً مسیر زمینی به اروپا را از دست می‌دهد.

نتیجه: خاورمیانه متحد با آمریکا می‌تواند مسیرهای راهبردی چین را مسدود یا گران کند.

۳. جذب سرمایه جهانی و دور کردن آن از چین

وضعیت فعلی:

- چین از دهه ۱۹۸۰ (شروع اصلاحات دنگ شیائوپینگ) تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۲/۵ تریلیون دلار سرمایه خارجی جذب کرده که ۱/۵ تریلیون دلار آن در دو دهه ۲۰۰۰-۲۰۲۰ بود. حدود ۴۵ درصد از این سرمایه در حوزه صنعت و تولید، ۲۰ درصد در حوزه تکنولوژی و الکترونیک، حدود ۱۵ درصد در حوزه زیرساخت بوده است. این جذب سرمایه در صعود چین به مقام دومین قدرت

اقتصادی جهان نقش حیاتی داشت. اکنون، با افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک (با آمریکا و غرب) روند سرمایه‌گذاری خارجی در چین کاهش ملامی را تجربه می‌کند ولی همچنان از بزرگ‌ترین مقاصد جهانی برای سرمایه است.

• شرکت‌ها به دلیل ریسک‌های سیاسی چین (تایوان، حقوق بشر، کنترل دولتی) به دنبال تنوع‌بخشی در محل سرمایه‌گذاری خود هستند.

فرصت خاورمیانه:

- خاورمیانه جدید می‌تواند تبدیل به مقصدی امن، پرفریت و سودآور برای سرمایه‌گذاران جهانی شود.
- دبی، ریاض و تهران می‌توانند قطب‌هایی جایگزین برای سرمایه‌گذاری و مونتاژ صنعتی باشند.

نتیجه: سرمایه‌گذاری جهانی از چین به خاورمیانه جریان می‌یابد، در صورت ثبات و امنیت منطقه.

۴. قدرت نرم و فرهنگی

- چین با طرح‌هایی مانند کنفوسیوس اینستیتوت و رسانه‌های جهانی‌اش سعی در صدور نرم قدرت دارد.
- آمریکا می‌تواند با تقویت زبان انگلیسی، دانشگاه‌های آمریکایی، گردشگری، تکنولوژی و سینمای غربی در خاورمیانه، حوزه نفوذ فرهنگی چین را محدود کند.

۵. دور زدن یوان و حفظ سلطه دلار

- چین تلاش می‌کند از دلار فاصله بگیرد (با تجارت با یوان در نفت و گاز).
- اگر آمریکا سلطه اقتصادی بر خاورمیانه داشته باشد، می‌تواند تجارت انرژی را به دلار بازگرداند و یوان را منزوی کند.

جمع‌بندی نهایی:

ابزار	نقش خاورمیانه متحد با آمریکا در مهار چین
انرژی	کنترل جریان انرژی به چین = اهرم فشار
ترانزیت	مسدود کردن مسیر زمینی چین به اروپا
سرمایه جهانی	رقابت برای جذب سرمایه‌های بین‌المللی
فرهنگ و آموزش	تقویت نفوذ غربی در برابر نفوذ چینی
سلطه پولی	حفظ دلار در تجارت جهانی انرژی

نتیجه راهبردی:

خاورمیانه هماهنگ و همسو با آمریکا نه فقط سودآور است، بلکه ابزار بزرگ ژئوپلیتیکی برای تضعیف تدریجی ابرقدرتی اقتصادی چین خواهد بود.

خاورمیانه و تبدیل چین به قدرت اول اقتصادی جهان

اگر آمریکا غفلت کند و چین بتواند سرمایه‌گذاری کلان و هوشمندانه در خاورمیانه انجام دهد، این می‌تواند یکی از عوامل مهم در حرکت چین به سوی قدرت اول اقتصادی جهان باشد.

۱. اهمیت راهبردی خاورمیانه برای چین

خاورمیانه برای چین اهمیت چندوجهی دارد:

- منبع انرژی: چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است. خاورمیانه می‌تواند امنیت انرژی بلندمدت چین را تضمین کند.
- جاده ابریشم نوین (Belt and Road): خاورمیانه یکی از مسیرهای حیاتی این پروژه است که چین را از طریق خشکی و دریا به اروپا، آفریقا و مدیترانه متصل می‌کند.
- بازار مصرفی و بازسازی زیرساختی: کشورهای جنگ‌زده یا در حال توسعه در منطقه، مانند سوریه، عراق، یمن یا لبنان، فرصت‌های بزرگی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت، انرژی، حمل‌ونقل و فناوری فراهم می‌کنند.

۲. سناریوی موفقیت چین در غیاب رقیب آمریکایی

- اگر آمریکا به دلایل داخلی یا تغییر اولویت‌های ژئوپولیتیک (مثلاً تمرکز بر آسیا-پاسفیک یا اروپای شرقی) خاورمیانه را رها کند:
- چین می‌تواند با قراردادهای بلندمدت نفت و گاز با ایران، سعودی، امارات و قطر وابستگی راهبردی ایجاد کند.
 - در غیاب آمریکا، کشورهای منطقه برای ثبات و توسعه به دنبال جایگزین می‌گردند و چین با رویکرد «عدم مداخله در امور داخلی» مقبول‌تر جلوه می‌کند.
 - نفوذ اقتصادی چین بتدریج به نفوذ ژئوپولیتیک تبدیل می‌شود، شبیه به آنچه در آفریقا رخ داد.

۳. پیامدهای جهانی آن

- ضعف نفوذ آمریکا در خاورمیانه، جایگاه دلار را تهدید می‌کند.
- تقویت یوان و استفاده از آن در مبادلات نفتی، دلارزدایی از تجارت جهانی را سرعت می‌بخشد.
- برتری فناوری چین در زیرساخت‌ها (مثلاً 5G، راه‌آهن، بنادر هوشمند) می‌تواند مدل توسعه چین را صادر کند.

جمع‌بندی:

اگر چین بتواند سرمایه‌گذاری بلندمدت، پیوسته و هماهنگ با منافع کشورهای منطقه انجام دهد و هم‌زمان آمریکا نقش سنتی خود را در تأمین امنیت و توسعه اقتصادی منطقه واگذار کند، چین ممکن است، با تسلط بر خاورمیانه، گام بلندی به سوی ارتقاء به مقام قدرت اول اقتصادی جهان بردارد.

نقش سه دولت عربی ثروتمند خلیج فارس (سعودی، قطر، امارات) در طرح خاورمیانه جدید

۱. ظرفیت مالی و سیاسی این کشورها

کشور	ذخایر ارزی	صندوق‌های ثروت ملی (SWF)	نفوذ منطقه‌ای
سعودی	بالای ۵۰۰ میلیارد دلار	PIF (۷۷۶ میلیارد دلار)	یمن، لبنان، سودان، مصر
امارات	حدود ۳۵۰ میلیارد دلار	و دیگران (۱.۵ تریلیون دلار) ADIA	یمن، لیبی، شرق آفریقا، اتحادیه عرب
قطر	حدود ۲۵۰ میلیارد دلار	QIA (۴۷۵ میلیارد دلار)	غزه، اخوان المسلمین، ترکیه، آفریقا

جمع دارایی قابل سرمایه‌گذاری سه کشور: بیش از ۲ تا ۳ تریلیون دلار

۲. ابعاد مشارکت در بازسازی خاورمیانه جدید

الف) سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها:

- بنادر، راه‌آهن، مناطق آزاد، شهرهای هوشمند
- قطر و امارات تجربه جهانی در ساخت و اجرای پروژه‌های عظیم دارند (مثل مترو دوحه، EXPO دوی)

برآورد نقش مالی بالقوه:

سهام این سه کشور می‌تواند تا ۳۵٪ از سرمایه‌گذاری کل مورد نیاز (در حدود ۱ تا ۱.۵ تریلیون دلار) را پوشش دهد، معادل ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار

ب) سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و انتقال گاز و برق منطقه‌ای:

- پروژه‌های مشترک با ایران، عراق، مصر و اردن در تولید و توزیع برق، گاز و انرژی‌های نو
- اتصال شبکه برق سعودی با عراق، اردن، سوریه و حتی لبنان

سهام مؤثر:

سعودی و امارات می‌توانند ستون فقرات این شبکه انرژی منطقه‌ای باشند.

پ) گردشگری، فرهنگ و آموزش:

- تبدیل کیش، قشم، بندرعباس، نیوم، دوی و دوحه به «کریدور توریستی خاورمیانه»
- سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌ها، مراکز آموزش اسلامی معتدل، مدیکال توریسم

نقش قطر و امارات بسیار پررنگ است.

۳. منافع راهبردی برای دولت‌های عربی

منفعت	توضیح
کنترل نظم جدید منطقه‌ای به جای ایران، ترکیه یا اسلام‌گرایی هم‌راستایی با آمریکا و اسرائیل در نظم امنیتی-اقتصادی جذب سرمایه‌های جهانی از چین، هند و غرب سود اقتصادی مستقیم از پروژه‌ها	افزایش نفوذ نرم و سخت دریافت تضمین‌های امنیتی در برابر ایران یا بی‌ثباتی داخلی تثبیت موقعیت بعنوان مرکز مالی خاورمیانه مشارکت در پیمان‌سپاری، ساخت‌وساز، حمل‌ونقل، آموزش، پزشکی

۴. خطرات و زیان‌های احتمالی

ریسک	توضیح
هزینه سیاسی داخلی در جهان عرب رقابت بین این سه کشور نفوذ بازیگران رقیب	نزدیکی به اسرائیل همچنان حساسیت برانگیز است اختلافات سعودی-قطر یا رقابت ریاض-ابوظبی ممکن است پروژه‌ها را تضعیف کند احتمال مداخله ایران، ترکیه، روسیه یا چین برای برهم زدن این نظم جدید

جمع‌بندی نهایی

شاخص	مقدار تقریبی
میزان مشارکت مالی بالقوه سه کشور سهم در سرمایه‌گذاری کلی خاورمیانه جدید منافع راهبردی ریسک‌ها	حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار حدود ۳۵٪ از کل سرمایه‌گذاری کلان افزایش قدرت منطقه‌ای، تثبیت نظم آمریکایی، سودهای اقتصادی بلندمدت رقابت داخلی، فشار سیاسی داخلی و منطقه‌ای، بی‌ثباتی پروژه‌ها

مزیت‌های مشارکت سعودی و قطر و امارات در طرح خاورمیانه جدید

این سه کشور ستون مالی و سیاسی اجرای چنین طرحی هستند، و بدون مشارکت مؤثر آنان، نه از نظر اقتصادی و نه از نظر مشروعیت منطقه‌ای، طرح آمریکا به سختی پیش خواهد رفت.

در ادامه، دلایل و ابعاد این منفعت را بررسی می‌کنیم:

۱. کاهش بار مالی آمریکا با واگذاری سرمایه‌گذاری به متحدان

- آمریکا برای نوسازی خاورمیانه جدید نیاز به سرمایه‌ای معادل ۳ تا ۵ تریلیون دلار دارد (پیش‌تر تحلیل شد).
- با مشارکت سعودی، امارات و قطر، تا ۵۰۰-۶۰۰ میلیارد دلار این سرمایه توسط «متحدان ثروتمند» تأمین می‌شود.
- این شبیه به همان مدلی است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم برای بازسازی ژاپن و کره جنوبی پیاده کرد و گاه به طرح مارشال خاور دور شهرت دارد. در این مدل ژاپن و کره جنوبی سرمایه‌گذار بودند و آمریکا راهبر داد.

سود آمریکا: کاهش فشار بودجه‌ای و افزایش کارایی

۲. تقویت نظم آمریکایی با پول عربی، بدون حضور سنگین نظامی

- حضور سنگین نظامی آمریکا در منطقه پرهزینه، حساس، و گاه ضدتبلیغاتی است.
- اگر سعودی، امارات و قطر زیرساخت‌های اقتصادی و نرم‌افزاری (آموزشی، توریستی، رسانه‌ای) را تأمین کنند، آمریکا می‌تواند با کمترین هزینه، بیشترین نفوذ را حفظ کند.

سود آمریکا: تداوم سلطه بدون هزینه مادی و سیاسی زیاد

۳. تشکیل بلوک عربی-ایرانی همسو با آمریکا برای مهار چین و روسیه

- در دنیای چندقطبی امروز، تشکیل یک «بلوک سرمایه‌دار، میانه‌رو و غرب‌گرای خاورمیانه‌ای» مانع نفوذ بیشتر چین و روسیه خواهد شد.
- حضور این سه کشور بعنوان هم‌پیمانان اقتصادی، نظم آمریکایی را در منطقه تثبیت ساختاری می‌دهد.

سود آمریکا: موازنه‌سازی جهانی علیه چین در خاورمیانه

۴. افزایش مشروعیت منطقه‌ای طرح آمریکا با مشارکت دولت‌های اسلامی

- اگر فقط اسرائیل و آمریکا پیش‌برنده طرح باشند، بسیاری از کشورهای اسلامی طرح را رد خواهند کرد.
- اما اگر سه دولت عربی (سعودی، امارات، قطر) در مرکز طرح باشند، می‌توان آن را «ابتکار عمل اسلامی-آمریکایی برای صلح و توسعه» نامید.

سود آمریکا: مشروعیت ژئوفرهنگی و کاهش حساسیت‌های مذهبی

۵. واگذاری پروژه‌های کلان به شرکت‌های آمریکایی از طریق تأمین مالی عربی

• سرمایه عربی + تکنولوژی آمریکایی = ترکیب طلایی (مثل پروژه‌های NEOM، Hyperloop، شهرهای هوشمند)

سود آمریکا: صادرات دانش، خدمات، تکنولوژی و برند با پول عربی

جمع‌بندی نهایی

جنبه	سود برای آمریکا از مشارکت سه کشور عربی
مالی	کاهش فشار سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا
راهبردی	ساخت بلوک منطقه‌ای ضدچین و ضدایران رادیکال
سیاسی	افزایش مقبولیت منطقه‌ای طرح
فرهنگی	کاهش حساسیت مذهبی و اسلامی علیه پروژه
اقتصادی	فروش خدمات، تکنولوژی، آموزش، مشاوره با پول عربی

نتیجه: مشارکت سعودی، امارات و قطر نه تنها مفید بلکه برای موفقیت طرح آمریکا در خاورمیانه «ضروری» است.

بخش دوم: خاورمیانه جدید با مشارکت ایران

این سناریوی مفروض هسته اصلی طرح تحول بزرگ خاورمیانه بشمار می‌رود. اگر فرض کنیم که نظام سیاسی ایران به دولتی عمل‌گرا، ملی‌گرا یا حتی لیبرال و دوست با آمریکا، سعودی، امارات و قطر و حداقل فاقد خطر جدی برای اسرائیل تبدیل شود، آنگاه ایران نه فقط بازیگر بلکه ستون کلیدی بازسازی نظم نوین منطقه‌ای خواهد شد.

در ادامه میزان سهم ایران در این نظم جدید و ابعاد تأثیرگذاری آن را به صورت تحلیلی و عددی بررسی می‌کنیم:

۱. موقعیت ژئواستراتژیک ایران = شاه‌کلید اتصال شرق و غرب

مسیر	نقش ایران
ترانزیت انرژی	اتصال گاز خلیج فارس به اروپا از طریق سوریه یا ترکیه
ترانزیت کالا	شاهراه اتصال هند به اروپا (از بندر چابهار تا مرز ترکیه)
ترانزیت ریلی- جاده‌ای- هوایی	چهارراه آسیا: میان چین، هند، روسیه، ترکیه، خلیج فارس

نتیجه: بدون مشارکت ایران، «کمر بند خاورمیانه‌ای» ناتمام می‌ماند.

۲. پتانسیل سرمایه‌گذاری داخلی ایران

حوزه	ظرفیت جذب سرمایه
انرژی (نفت و گاز)	بالای ۱۵۰ میلیارد دلار نیاز سرمایه‌گذاری
زیرساخت (راه، راه‌آهن، فرودگاه، بنادر)	بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار فرصت پروژه
گردشگری، سلامت، آموزش، فناوری	۵۰ تا ۷۰ میلیارد دلار ظرفیت جذب اولیه
جمع کل ظرفیت جذب سرمایه:	۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار طی ۱۰ تا ۱۵ سال

با ثبات سیاسی و رفع تحریم، ایران می‌تواند به یکی از ۱۰ مقصد اول سرمایه‌گذاری در جهان اسلام تبدیل شود.

۳. سهم ایران در همکاری منطقه‌ای خاورمیانه جدید

حوزه	نقش ایران
تأمین انرژی	گاز ایران می‌تواند تا ۳۰٪ بازار اروپا را تأمین کند (جایگزین روسیه)
گردشگری مذهبی و فرهنگی	بیش از ۲۰ میلیون زائر و توریست در سال بالقوه
نیروی انسانی ماهر	بزرگ‌ترین منبع نیروی کار متخصص در منطقه (در کنار مصر و ترکیه)
بازار مصرفی ۸۵ میلیونی	جذاب برای برندهای جهانی، بانک‌ها، شرکت‌های ساختمانی و دیجیتال

۴. برآورد عددی سهم ایران در نظم جدید

شاخص	مقدار
سرمایه‌گذاری داخلی (تا ۱۵ سال)	۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار
سهم از صادرات انرژی منطقه	تا ۲۵٪ در صورت رفع تحریم
سهم از درآمد گردشگری منطقه‌ای	تا ۱۵ میلیارد دلار در سال
سهم از مسیر ترانزیت جهانی	۲۰ تا ۳۰ درصد از کریدور هند-اروپا از مسیر ایران

۵. میزان تأثیرگذاری ژئوپلیتیک ایران در سناریوی جدید

حوزه	اثرگذاری ایران در خاورمیانه جدید
انرژی	تعیین‌کننده در قیمت و جریان گاز و نفت
تجارت	محور اتصال شرق آسیا به اروپا
ثبات منطقه‌ای	حضور ایران = ثبات در سوریه، عراق، لبنان و حتی یمن
موازنه‌سازی درون بلوک عربی	ایران می‌تواند نقش تعادل میان سعودی، ترکیه، اسرائیل بازی کند
فناوری و فرهنگ	نقش نرم با پشتوانه تاریخی، علمی، فرهنگی بسیار قوی

نتیجه راهبردی: ایران = بازیگر کلیدی نظم جدید

شاخص نهایی	مقدار یا موقعیت
سهم ایران از سرمایه‌گذاری کل منطقه	۲۰ تا ۲۵٪ از طرح خاورمیانه جدید
درآمد سالانه ممکن برای ایران از مشارکت در این طرح	۶۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار در سال
سود اقتصادی طی ۳۰ سال	۱/۵ تا ۲ تریلیون دلار بالقوه
میزان تأثیر ژئوپلیتیکی	بدون ایران، طرح ناقص می‌ماند. با ایران، طرح تثبیت می‌شود.

پیوست یک: اتصال ایران به مدیترانه

محور اتصال ایران و گاز خلیج فارس به مدیترانه و اروپا نه تنها در قلب ژئوپلیتیک خاورمیانه قرار دارد، بلکه می تواند به یک انقلاب در انرژی و ترانزیت جهانی منجر شود.

در اینجا بطور خاص بر محور ایران-عراق-سوریه-لبنان-مدیترانه-اروپا تمرکز می کنیم:

۱. ظرفیت گازی ایران و اهمیت اتصال به اروپا

ایران:

- دومین ذخیره گاز جهان (پس از روسیه)
- میدان گازی پارس جنوبی (مشترک با قطر) یکی از ذخایر عظیم جهان
- ظرفیت صادرات بالقوه تا ۱۰۰ میلیارد متر مکعب در سال

اروپا:

- از سال ۲۰۲۲ به دنبال کاهش وابستگی به گاز روسیه
- نیازمند جایگزین پایدار، ارزان و کمتر آسیب پذیر به تهدیدات سیاسی

نتیجه: اتصال ایران به اروپا از طریق لوله گذاری زمینی یا LNG پروژه ای با ارزش راهبردی بالا برای هر دو طرف است.

۲. مسیر پیشنهادی: کریدور انرژی ایران-مدیترانه

مسیر زمینی پیشنهادی:

پارس جنوبی ← بوشهر ← خوزستان ← عراق (بصره، کربلا) ← سوریه (بوکمال، حمص) ← بندر لاذقیه یا طرطوس ← از آنجا به اروپا (از طریق دریا یا خط لوله به ترکیه)

- طول حدودی خط لوله: ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کیلومتر
- پروژه می تواند هم گاز طبیعی فشرده (CNG) و هم LNG شامل شود

۳. برآورد سرمایه گذاری

بخش

هزینه تقریبی

ساخت خط لوله گاز (ایران تا مدیترانه)	۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار
امنیت و بازسازی مسیر (عراق، سوریه)	۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار
ایجاد تأسیسات LNG و صادرات در سواحل سوریه یا ترکیه	۲۰ میلیارد دلار
توسعه ظرفیت پالایش و تولید در پارس جنوبی	۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار
سرمایه گذاری سیاسی-امنیتی-فناورانه در سطح منطقه ای	۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار

جمع کل سرمایه گذاری مورد نیاز: حدود ۱۰۰ تا ۱۳۰ میلیارد دلار

۴. سود و بازگشت اقتصادی

فرض پایه:

- صادرات سالانه ۵۰ تا ۷۰ میلیارد متر مکعب گاز
- قیمت میانگین گاز صادراتی: ۷ تا ۱۰ دلار به ازای هر MMBtu (با نوسان قیمت جهانی انرژی)

درآمد سالانه بالقوه:

- بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار در سال

بازگشت سرمایه:

- دوره بازگشت: ۵ تا ۷ سال
- طی ۳۰ سال: حدود ۶۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد دلار درآمد ناخالص صادراتی

۵. مزایای راهبردی برای آمریکا (در صورت تغییر رفتار ایران):

مزیت	توضیح
مهار گاز روسیه	با تنوع منابع گاز اروپا
تثبیت نظم ژئواکونومیک دلخواه	همکاری ایران و سوریه با اسرائیل و سعودی
سود مستقیم شرکت‌های آمریکایی و اروپایی	از پروژه‌های فنی، مهندسی، بانکی و انتقال انرژی
تسلط بر گلوگاه‌های ترانزیت گاز جهانی	هم خلیج فارس و هم شرق مدیترانه در اختیار آمریکا خواهد بود

جمع‌بندی عددی نهایی

شاخص	مقدار
سرمایه‌گذاری کل برای اتصال گاز ایران به مدیترانه	۱۰۰ تا ۱۳۰ میلیارد دلار
درآمد سالانه از صادرات گاز	۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار
درآمد خالص ۳۰ ساله	حدود ۶۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد دلار
منافع ژئوپلیتیکی و کنترل بازار انرژی	بی‌قیمت (strategic leverage)

پیوست دو: سرمایه‌گذاری آمریکا در سواحل ایرانی خلیج فارس

سواحل ایران در خلیج فارس، بویژه مناطق بوشهر، بندرعباس، قشم، کیش، لاوان، پارسیان و چابهار، دارای پتانسیل خارق‌العاده برای تبدیل شدن به «دوبی ایرانی» است؛ ترکیبی از قطب اقتصادی، ترانزیتی و گردشگری جهانی.

۱. ظرفیت‌های استراتژیک سواحل ایران در خلیج فارس

حوزه	پتانسیل
انرژی	نزدیکی به میدان گازی پارس جنوبی و نفت خلیج فارس
گردشگری	آب‌وهوای گرمسیری، آب‌های نیلگون، جزایر بکر، امکان توسعه کیش، قشم، هنگام، لاوان
لجستیک و حمل‌ونقل	موقعیت برتر برای بنادر بین‌المللی (جایگزین جبل‌علی، فجیره)
تجارت منطقه‌ای	نقطه اتصال به هند، کشورهای عربی، آسیای میانه

۲. برآورد سرمایه‌گذاری آمریکا در سه محور اصلی

- الف. زیرساخت توریسم و اقتصاد شهری (شهرسازی + گردشگری + هتل‌ها + تفریح)
- ساخت فرودگاه‌های بین‌المللی (در کیش، قشم، بندرعباس)
 - ساخت هتل‌های زنجیره‌ای (Hyatt, Hilton, Marriott و...)
 - مراکز خرید، مارینا (بندرگاه تفریحی)، پارک آبی، امکانات سلامتی و پزشکی (مدیکال توریسم)
- هزینه تخمینی: ۴۰ تا ۶۰ میلیارد دلار

- ب. توسعه بنادر و لجستیک تجاری (کیش، قشم، بندرعباس، چابهار)
- ساخت و تجهیز بندرهای بین‌المللی با ظرفیت کانتینری بالا
 - ایجاد مناطق آزاد تجاری و زون‌های صنعتی برای صادرات و مونتاژ
 - اتصال شبکه ریلی و جاده‌ای به بنادر و مرزهای داخلی
- هزینه تخمینی: ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار

- ج. زیرساخت انرژی و شهر هوشمند (Smart Gulf Cities)
- انرژی خورشیدی و بادی در سواحل
 - زیرساخت دیجیتال، اینترنت پرسرعت، هوشمندسازی حمل‌ونقل و مدیریت شهری
 - تأسیسات آب شیرین‌کن، پسماند، تصفیه‌خانه‌ها
- هزینه تخمینی: ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار

جمع کل سرمایه‌گذاری موردنیاز: حدود ۹۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار

۳. برآورد سود و بازگشت اقتصادی

حوزه	سود سالانه پیش‌بینی شده
گردشگری (۱۰ تا ۲۰ میلیون گردشگر خارجی سالانه)	۱۵ تا ۲۵ میلیارد دلار
تجارت، بنادر و صادرات منطقه آزاد	۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار
خدمات (مالی، بانکی، آموزش، سلامت، تکنولوژی)	۵ تا ۱۰ میلیارد دلار
درآمد سالانه بالقوه:	۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار

سود خالص طی ۳۰ سال: حدود ۱ تا ۱/۵ تریلیون دلار
دوره بازگشت سرمایه: حدود ۵ تا ۷ سال

مزایای ژئوپلیتیکی برای آمریکا (در صورت مشارکت)

مزیت	توضیح
حضور در نقطه استراتژیک تنگه هرمز	بدون نیاز به کنترل نظامی مستقیم
جایگزین سازی ایران با دویی و دوحه در نقش هاب خلیج فارس	سود بردن از رقابت سرمایه گذارها
جذب چین هراسی هند، ژاپن، اروپا برای سرمایه گذاری مشترک با آمریکا	چند جانبه سازی پروژه
ایجاد پایگاه فرهنگی نرم در ایران	از طریق توریسم، آموزش، تکنولوژی

جمع بندی عددی

شاخص	مقدار
سرمایه گذاری کل مورد نیاز	۹۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار
درآمد سالانه منطقه	۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار
سود خالص طی ۳۰ سال	۱ تا ۱/۵ تریلیون دلار
دوره بازگشت سرمایه	۵ تا ۷ سال

پیوست سه: مقایسه سواحل خلیج فارس ایران با سواحل کالیفرنیا

۱. مقایسه جغرافیایی و اقلیمی

شاخص	سواحل خلیج فارس ایران	سواحل کالیفرنیا
آب و هوا	گرم و مرطوب، بعضاً نیمه بیابانی	مدیترانه‌ای، معتدل، مطبوع
دمای تابستان	خیلی بالا (۴۰-۵۰ درجه)	ملایم تر (۲۵-۳۵ درجه)
زمستان‌ها	معتدل و مناسب گردشگری	سردتر ولی همچنان معتدل
طوفان‌ها / زلزله‌ها	گهگاه گرد و غبار، سیلاب	خطر زلزله در سراسر ایالت

نتیجه: کالیفرنیا در اقلیم معتدل‌تر و دلپذیرتر است، اما زمستان‌های سواحل جنوبی ایران برای گردشگری بسیار جذاب است.

۲. منابع طبیعی و انرژی

شاخص	سواحل خلیج فارس	سواحل کالیفرنیا
نفت و گاز	از غنی‌ترین مناطق جهان (پارس جنوبی، نفت فلات قاره)	منابع محدود و عمدتاً وارداتی
پتانسیل خورشیدی و بادی	بسیار بالا در بوشهر، هرمزگان	بالا، بویژه در جنوب کالیفرنیا
آب‌های عمیق برای بنادر	قابل استفاده (چابهار، جاسک، قشم)	عالی برای بنادر بین‌المللی

نتیجه: سواحل ایران در حوزه انرژی و بنادر پتانسیل راهبردی دارند، حتی برتر از کالیفرنیا.

۳. پتانسیل اقتصادی و ترانزیتی

شاخص	سواحل ایران	سواحل کالیفرنیا
موقعیت جغرافیایی	در گلوگاه انرژی جهان (نزدیک به تنگه هرمز، آسیای میانه، هند)	در حاشیه اقیانوس آرام (نزدیک به آسیا، بازارهای شرقی)
نقش ترانزیتی بالقوه	کریدور شرق-غرب (هند-ایران-اروپا)	قطب لجستیک اقیانوس آرام (بندر لس‌آنجلس، اوکلند)
زیرساخت فعلی	بسیار ضعیف و توسعه نیافته	کاملاً مدرن، پیشرفته و دیجیتالی

نتیجه: کالیفرنیا فعلاً از نظر زیرساخت برتر است، اما ایران از نظر موقعیت ژئواکونومیک بالقوه چیزی کمتر ندارد و حتی در موقعیت جهانی بهتری است.

۴. جاذبه‌های توریستی و فرهنگی

شاخص	سواحل ایران	سواحل کالیفرنیا
جزایر بکر و تاریخی	کیش، قشم، هنگام، هرمز	سانتا کاتالینا، بالبوآ
میراث تاریخی و فرهنگی	بالا (بندر لافت، روستاهای سنتی، جاده ابریشم دریایی)	مدرن، کمتر تاریخی
آزادی‌های اجتماعی برای توریست‌ها	محدودیت‌های شرعی-قانونی	کاملاً آزاد

نتیجه: از نظر طبیعی و بومی ایران پتانسیل خاصی دارد ولی محدودیت‌های فرهنگی فعلی مانع گردشگری بین‌المللی گسترده است.

۵. جمع‌بندی

برتری نسبی	شاخص نهایی
کالیفرنیا	آب‌وهوا و سبک زندگی
سواحل ایران	منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیک
سواحل ایران (در صورت اصلاحات سیاسی)	پتانسیل توسعه اقتصادی
کالیفرنیا (فعلاً)	زیرساخت و جذب سرمایه
تقریباً برابر، ولی ایران هنوز بکر است	جذابیت گردشگری طبیعی و تاریخی

نتیجه نهایی

اگر ایران بتواند درهای خود را به جهان بگشاید، روابط بین‌المللی را عادی کند، و سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نماید، سواحل خلیج فارس ایران می‌تواند نه تنها رقیب بلکه حتی جایگزین سواحل کالیفرنیا در برخی حوزه‌ها شود.

بازنویسی انتقادی گروک

تحلیل عبدالله شهبازی یک چشم‌انداز استراتژیک و بلندپروازانه برای بازسازی خاورمیانه ارائه می‌دهد که پتانسیل‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی منطقه را به خوبی برجسته می‌کند. نقاط قوت آن در جامعیت، استفاده از داده‌های عددی، و توجه به رقابت جهانی با چین است. با این حال، خوش‌بینی بیش از حد به امکان تحول سیاسی در ایران، کم‌توجهی به موانع فرهنگی و اجتماعی، و عدم ارائه سناریوهای جایگزین، از نقاط ضعف اصلی آن است.

برای بازنویسی تحلیل عبدالله شهبازی، با عنوان «خاورمیانه جدید چگونه می‌تواند باشد؟»، تلاش می‌کنم نقاط ضعف شناسایی‌شده (خوش‌بینی بیش از حد، کم‌توجهی به موانع فرهنگی و اجتماعی، نقش سایر بازیگران، ملاحظات زیست‌محیطی، و عدم ارائه سناریوهای جایگزین) را برطرف کرده و، ضمن حفظ نقاط قوت، تحلیلی واقع‌گرایانه‌تر و جامع‌تر ارائه دهم. بازه‌های زمانی، برآوردهای اقتصادی، و فرضیات سیاسی تعدیل شده و بخش‌های جدیدی برای پوشش موانع داخلی، نقش بازیگران غیرمنطقه‌ای، و پایداری زیست‌محیطی اضافه شده است. همچنین، سناریوهای جایگزین (میانی و بدبینانه) برای تکمیل تحلیل ارائه شده است.

اهمیت خاورمیانه برای آینده آمریکا

خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک، منابع انرژی، و بازارهای بالقوه، یکی از کلیدی‌ترین مناطق برای حفظ برتری جهانی آمریکا در برابر رقبایی مانند چین و روسیه است. این تحلیل با بررسی سناریوهای مختلف (خوش‌بینانه، میانی، و بدبینانه) و در نظر گرفتن موانع سیاسی، فرهنگی، و زیست‌محیطی، پتانسیل تبدیل خاورمیانه به یک قطب اقتصادی جهانی را ارزیابی می‌کند. هدف، ارائه دیدگاهی واقع‌گرایانه‌تر نسبت به تحلیل اصلی است که، ضمن حفظ بلندپروازی، به پیچیدگی‌های منطقه‌ای و جهانی توجه دارد.

دلایل کلیدی اهمیت خاورمیانه:

دسترسی به بازارهای در حال رشد: جمعیت خاورمیانه تا سال ۲۰۵۰ به بیش از ۷۰۰ میلیون نفر می‌رسد، که بازار مصرفی عظیمی برای شرکت‌های آمریکایی ایجاد می‌کند.

مهار رقبا: کنترل مسیرهای انرژی و ترانزیت خاورمیانه، اهمی برای محدود کردن نفوذ اقتصادی چین و روسیه فراهم می‌کند.

بازگشت سرمایه: سرمایه‌گذاری در زیرساخت، انرژی، و فناوری می‌تواند سودهای بلندمدت (تا ۱۰ تریلیون دلار در ۳۰ سال) به همراه داشته باشد، اگرچه با ریسک‌های قابل توجه.

پایداری زیست‌محیطی: توسعه منطقه با تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند خاورمیانه را به الگویی برای اقتصاد سبز تبدیل کند.

سناریوهای ممکن برای خاورمیانه جدید

سناریوی خوش بینانه: خاورمیانه همگرا با آمریکا

فرض پایه:

تمامی کشورهای خاورمیانه (از جمله ایران، عراق، و سوریه) با نظم آمریکایی هم‌راستا شده و تنش‌های تاریخی (مانند دشمنی ایران و اسرائیل) رفع می‌شود. این سناریو مشابه اتحادیه اروپا، یک بلوک اقتصادی-سیاسی با محوریت آمریکا، اسرائیل، و کشورهای عربی خلیج فارس ایجاد می‌کند.

هزینه‌ها:

نظامی و امنیتی: کاهش ۶۰-۷۰٪ هزینه‌های نظامی آمریکا (از سالانه ۵۰-۷۰ میلیارد دلار به ۱۵-۲۰ میلیارد دلار) به دلیل رفع تنش‌ها.

زیرساختی و اقتصادی: سرمایه‌گذاری ۲.۵-۳ تریلیون دلار در ۲۰ سال برای بنادر، راه‌آهن، و شهرهای هوشمند. سیاسی و فرهنگی: ۰.۷-۱ تریلیون دلار برای آموزش، رسانه، و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی جهت کاهش تنش‌های مذهبی و قومی. جمع کل هزینه: حدود ۳.۲-۴ تریلیون دلار.

منافع:

بازارهای جدید: دسترسی به بازارهای ایران و عراق (جمعیت ۱۲۰ میلیون نفر) برای صادرات فناوری، خدمات، و کالاهای آمریکایی.

ترانزیت جهانی: کنترل کریدور هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) به عنوان جایگزین طرح «کمربند و جاده» چین. سود اقتصادی: بازگشت سرمایه ۸-۱۲ تریلیون دلار در ۳۰ سال (تعدیل شده نسبت به تحلیل اصلی برای واقع‌گرایی). مهار چین: کنترل جریان انرژی و ترانزیت، اهرمی برای محدود کردن اقتصاد چین.

موانع کلیدی:

ایدئولوژی‌های متضاد: ضدیت ریشه‌دار برخی گروه‌ها (مانند محور مقاومت) با اسرائیل و غرب. بی‌ثباتی داخلی: مقاومت‌های اجتماعی و سیاسی در ایران و عراق علیه تغییرات سریع. رقابت چین و روسیه: تلاش برای حفظ نفوذ در منطقه از طریق سرمایه‌گذاری و دیپلماسی.

احتمال تحقق:

کم (۱۰-۱۵٪ در ۲۰ سال آینده)، به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی و فرهنگی.

سناریوی میانی: همکاری محدود با حفظ تنش‌ها

فرض پایه:

ایران به یک دولت کاملاً همسو با آمریکا تبدیل نمی‌شود، اما تنش‌ها کاهش یافته و همکاری‌های اقتصادی محدود (مانند صادرات انرژی) با کشورهای عربی و آمریکا آغاز می‌شود. محور مقاومت تضعیف شده، اما کاملاً حذف نمی‌شود.

هزینه‌ها:

نظامی و امنیتی: کاهش ۴۰٪ هزینه‌های نظامی (به ۳۰-۴۰ میلیارد دلار در سال).
زیرساختی و اقتصادی: ۱.۵-۲ تریلیون دلار برای پروژه‌های مشترک (مانند خط لوله گاز ایران-مدیترانه).
سیاسی و فرهنگی: ۰.۵ تریلیون دلار برای تقویت نهادهای مدنی و کاهش تنش‌های قومی. جمع کل هزینه: ۲-۲.۵ تریلیون دلار.

منافع:

دسترسی نسبی به بازارها: همکاری محدود با ایران و عراق برای صادرات انرژی و کالا.
ترانزیت منطقه‌ای: استفاده از مسیرهای ایران برای IMEC، اما با رقابت با مسیرهای چین.
سود اقتصادی: بازگشت ۵-۸ تریلیون دلار در ۳۰ سال.
مهار نسبی چین: کاهش وابستگی چین به انرژی خاورمیانه، اما نه بطور کامل.

موانع کلیدی:

تنش‌های مداوم: ادامه فعالیت گروه‌های نیابتی ایران در منطقه.
رقابت داخلی کشورهای عربی: اختلافات سعودی-قطر یا امارات-سعودی می‌تواند پروژه‌ها را تضعیف کند.
مداخله ترکیه و مصر: تلاش برای ایفای نقش مستقل در نظم جدید.

احتمال تحقق:

متوسط (۴۰-۵۰٪ در ۲۰ سال آینده)، به دلیل امکان همکاری‌های اقتصادی بدون نیاز به تغییرات سیاسی عمیق.

سناریوی بدبینانه: تداوم بی‌ثباتی و نفوذ چین

فرض پایه:

تنش‌های منطقه‌ای (مانند دشمنی ایران و اسرائیل) ادامه یافته و آمریکا به دلیل اولویت‌های دیگر (مانند آسیا-پاسفیک) نفوذ خود را در خاورمیانه کاهش می‌دهد. چین از این فرصت برای گسترش نفوذ استفاده می‌کند.

هزینه‌ها:

نظامی و امنیتی: حفظ هزینه‌های کنونی (۵۰-۷۰ میلیارد دلار در سال) به دلیل تداوم تنش‌ها. زیرساختی و اقتصادی: سرمایه‌گذاری محدود (۰.۵-۱ تریلیون دلار) در کشورهای متحد (مانند سعودی و امارات). سیاسی و فرهنگی: هزینه‌های اندک (۰.۲ تریلیون دلار) به دلیل عدم همکاری گسترده. جمع کل هزینه: ۱.۷-۲.۲ تریلیون دلار با بازدهی پایین.

پیامدها:

از دست دادن بازارها: محدود شدن دسترسی آمریکا به بازارهای ایران و عراق. تقویت چین: افزایش سرمایه‌گذاری چین در انرژی و زیرساخت خاورمیانه، تقویت طرح «کمربند و جاده». ضعف دلار: گسترش تجارت با یوآن در معاملات نفتی. بی‌ثباتی مداوم: ادامه درگیری‌های نیابتی و افزایش پناهجویی.

موانع کلیدی:

عدم اجماع منطقه‌ای: رقابت بین ایران، ترکیه، و کشورهای عربی. نفوذ روسیه: حفظ پایگاه‌های نظامی در سوریه و حمایت از ایران. چالش‌های داخلی آمریکا: مخالفت کنگره با سرمایه‌گذاری کلان در منطقه بی‌ثبات.

احتمال تحقق:

بالا (۳۵-۴۵٪ در ۱۰ سال آینده)، به دلیل تداوم روندهای کنونی.

فازهای اجرایی سناریوی خوش بینانه

برای نزدیک شدن به واقعیت، فازهای اجرایی با بازه‌های زمانی تعدیل‌شده و با در نظر گرفتن موانع فرهنگی، سیاسی، و زیست‌محیطی ارائه می‌شود.

فاز اول: تثبیت و آماده‌سازی (۸-۱۰ سال)

بازیگران اصلی:

آمریکا، اسرائیل، سعودی، امارات، قطر، مصر، اردن، هند، اتحادیه اروپا.

اقدامات کلیدی:

تقویت توافق‌های ابراهیم و گسترش روابط کشورهای عربی با اسرائیل.
توسعه کریدور IMEC با مشارکت هند و اروپا.
دیپلماسی برای کاهش تنش با ایران از طریق مذاکرات غیرمستقیم.
سرمایه‌گذاری در آموزش و رسانه برای کاهش تنش‌های مذهبی و قومی.
پروژه‌های پایلوت زیست‌محیطی (مانند انرژی خورشیدی در سعودی و ایران).

هزینه تخمینی:

۸۰۰-۶۰۰ میلیارد دلار.

موانع:

مقاومت افکار عمومی عرب با عادی‌سازی روابطه با اسرائیل، مداخله ایران و روسیه.

فاز دوم: تحول سیاسی و نهادی (۱۲-۱۵ سال)

هدف اصلی:

ایجاد فضای همکاری در ایران و عراق از طریق تقویت نهادهای مدنی و کاهش نفوذ گروه‌های نیابتی.

روش‌ها:

فشار هوشمند (ترکیب تحریم، مذاکره، و مشوق‌های اقتصادی).
حمایت از طبقه متوسط و کارآفرینان در ایران و عراق.

تضعیف گروه‌های مسلح (مانند حشد شعبی) از طریق تقویت ارتش‌های ملی.
برنامه‌های آموزشی بین‌المللی برای کاهش شکاف‌های فرهنگی.

هزینه تخمینی:

۸۰۰-۱۰۰۰ میلیارد دلار.

تفکیک هزینه‌ها:

بازسازی اقتصادی: ۳۰۰-۳۵۰ میلیارد دلار (نوسازی بانک‌ها، خصوصی‌سازی).
آموزش و رسانه: ۸۰-۱۰۰ میلیارد دلار (دانشگاه‌ها، رسانه‌های آزاد).
امنیت و نظامی: ۲۰۰-۲۵۰ میلیارد دلار (خلع سلاح گروه‌ها، آموزش پلیس).
زیرساخت سبز: ۱۰۰-۱۵۰ میلیارد دلار (انرژی تجدیدپذیر، آب‌شیرین‌کن).

موانع:

مقاومت نهادهای نظامی و مذهبی در ایران، فساد در عراق، رقابت سعودی-امارات.

فاز سوم: ادغام اقتصادی منطقه‌ای (۱۵-۲۰ سال)

ویژگی‌ها:

اتصال زیرساخت‌های ایران، عراق، و سوریه به شبکه خلیج فارس و اسرائیل.
ایجاد «منطقه تجارت آزاد خاورمیانه» (MEFTA).
توسعه پروژه‌های سبز (مانند شبکه برق خورشیدی منطقه‌ای).

سیاست‌ها:

پیمان‌های امنیتی-اقتصادی چندجانبه با نظارت آمریکا و اروپا.
دعوت از شرکت‌های جهانی برای سرمایه‌گذاری در فناوری و انرژی.
ایجاد نهادهای حل اختلاف منطقه‌ای.

هزینه تخمینی:

۱-۱.۲ تریلیون دلار.

موانع:

ملی‌گرایی عربی، تنش‌های قومی (شیعه-سنی، کرد-عرب)، نفوذ چین.

فاز چهارم: تثبیت و بازگشت سرمایه (۲۰-۳۵ سال)

نتایج مورد انتظار:

ایجاد بلوک اقتصادی با GDP حدود ۸-۱۲ تریلیون دلار.
تثبیت نقش آمریکا به عنوان تضمین‌کننده نظم منطقه‌ای.
بازگشت سرمایه از طریق مالیات، سهام، و بهره‌برداری از زیرساخت‌ها.

سود تخمینی:

۸-۱۲ تریلیون دلار در ۳۵ سال.

موانع:

بی‌ثباتی سیاسی، تغییرات اقلیمی، رقابت جهانی.

نقش ایران در خاورمیانه جدید

ایران به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک، منابع انرژی، و نیروی انسانی ماهر، بازیگری کلیدی است ولی مشارکت آن به کاهش تنش‌های سیاسی و اصلاحات داخلی بستگی دارد.

پتانسیل‌های ایران:

انرژی: دومین ذخیره گاز جهان، با ظرفیت صادرات ۵۰-۷۰ میلیارد متر مکعب در سال.
ترانزیت: محور اتصال هند به اروپا از طریق بندر چابهار.
بازار مصرفی: جمعیت ۸۵ میلیونی با تقاضای بالا برای فناوری و خدمات.
گردشگری: پتانسیل جذب ۱۰-۱۵ میلیون گردشگر در سال با اصلاحات فرهنگی.

برآورد عددی:

سرمایه‌گذاری داخلی: ۲۵۰-۳۵۰ میلیارد دلار در ۱۵ سال.
درآمد سالانه از انرژی و ترانزیت: ۳۰-۵۰ میلیارد دلار.
سود ۳۵ ساله: ۱-۱.۵ تریلیون دلار.

موانع مشارکت ایران:

مقاومت سیاسی: نهادهای نظامی و مذهبی مخالف همکاری با غرب.
محدودیت‌های فرهنگی: قوانین شرعی مانع توسعه گردشگری بین‌المللی.
تحریم‌ها: مانع جذب سرمایه خارجی.

نقش کشورهای عربی خلیج فارس

سعودی، امارات، و قطر با ذخایر مالی عظیم (۲-۳ تریلیون دلار) ستون‌های مالی طرح هستند.

مشارکت‌ها:

زیرساخت: ۳۰۰-۴۰۰ میلیارد دلار برای بنادر، راه‌آهن، و شهرهای هوشمند.
انرژی سبز: توسعه شبکه برق خورشیدی و بادی منطقه‌ای.
فرهنگ و آموزش: سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌ها و گردشگری پزشکی.

منافع:

افزایش نفوذ منطقه‌ای در برابر ایران و ترکیه.
سود اقتصادی از پروژه‌های زیرساختی و تجاری.

موانع:

رقابت داخلی (سعودی-قطر).
حساسیت‌های سیاسی به نزدیکی با اسرائیل.

نقش بازیگران غیر منطقه‌ای

هند:

شریک کلیدی در IMEC، با سرمایه‌گذاری در بندر چابهار و زیرساخت‌های ترانزیتی.

اتحادیه اروپا:

تأمین‌کننده فناوری سبز و حامی دیپلماتیک برای کاهش وابستگی به گاز روسیه.

ترکیه:

رقیب یا شریک در ترانزیت و انرژی، بسته به روابط با آمریکا.

چین و روسیه:

تلاش برای حفظ نفوذ از طریق سرمایه‌گذاری در ایران و سوریه.

ملاحظات زیست محیطی

برای پایداری طرح، باید به موارد زیر توجه شود:

انرژی‌های تجدیدپذیر:

توسعه خورشیدی و بادی در ایران، سعودی، و امارات برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی.

مدیریت آب:

سرمایه‌گذاری در آب‌شیرین‌کن‌ها و بازیافت آب برای مقابله با کمبود آب.

حفاظت از اکوسیستم:

کاهش آلودگی خلیج فارس از طریق استانداردهای زیست محیطی در پروژه‌های زیرساختی.

هزینه تخمینی:

۲۰۰-۳۰۰ میلیارد دلار در ۲۰ سال.

بخش هفتم: تأثیر خاورمیانه جدید بر مهار چین

انرژی:

کنترل جریان گاز و نفت به چین، اهرمی برای فشار اقتصادی.

ترانزیت:

مسدود کردن مسیرهای زمینی چین به اروپا از طریق IMEC.

سرمایه جهانی:

جذب سرمایه از چین به خاورمیانه با ایجاد مناطق آزاد تجاری.

قدرت نرم:

تقویت نفوذ فرهنگی غرب از طریق آموزش و رسانه.

ریسک‌ها:

سرمایه‌گذاری چین در ایران و عراق می‌تواند این مزیت‌ها را خنثی کند.

جمع‌بندی نهایی

خاورمیانه جدید می‌تواند به یک قطب اقتصادی جهانی تبدیل شود، اما موفقیت آن به رفع تنش‌ها، همکاری منطقه‌ای، و مدیریت ریسک‌های سیاسی و زیست‌محیطی بستگی دارد. سناریوی خوش‌بینانه سودهای کلان (۸-۱۲ تریلیون دلار) و برتری ژئوپلیتیکی برای آمریکا به همراه دارد، اما احتمال تحقق آن پائین است. سناریوی میانی (همکاری محدود) واقع‌گرایانه‌تر بوده و با هزینه کمتر، منافع قابل توجهی ارائه می‌دهد. سناریوی بدبینانه (تداوم بی‌ثباتی) محتمل‌ترین حالت در کوتاه‌مدت است و نیاز به تغییر رویکرد آمریکا در منطقه را نشان می‌دهد.

توصیه‌ها:

تمرکز بر پروژه‌های اقتصادی محدود (مانند IMEC) به جای تحول سیاسی گسترده.
تقویت دیپلماسی فرهنگی برای کاهش تنش‌های مذهبی و قومی.
همکاری با هند و اروپا برای کاهش بار مالی و افزایش مشروعیت جهانی.
اولویت دادن به پایداری زیست‌محیطی برای جلب حمایت جهانی.